سرکن

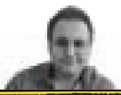

سعید ترشیزی

مجموعه آبی موج‌های بی‌اعصاب!

● عیال! ای فریبرز آقا که با هَم یُخلایِم، توی پارک آبی گُندِهه کار مُکُنه، دو دِنه بیلیت مُفته بِزِم داد، مویَم ای بِچّگه رِ مُبُرُمِش اونجه غُطّه بُخورِم.

چند ساعت بعد...

● ای وای مرد! این چه سر و وضعیه؟! چرا همه جاتون کبوده؟! چرا دندوناتون شکسته؟! چرا یک جای سالم توی بدنتون نیست؟! حالا خودت به درک! چه بلایی سر بچه م آوردی؟!

● چشمِت روز بد نِبینه زن! مو فِکر کِردُم اینجه که ایقذَر گُنده یُ شیکّان پیکّانِ یُ ایقذَر تبلیغات دِره یُ زَوّارا کِلّه مُکُنَن مِرَن اونجه غُطّه بُخورن، همّه چی ش استانداردِه. ولی هَم لِنگِمان رِ گُذاشتِم توش، ایقذَر زِمیناش ناشور بود و به هَروَرِش اَخ تُف اِنداخته بودن که یَک چَندِفه سُر خوردِم و گَرُمبَستی خوردِم زِمین. ای بازیاش و سرسره هاش هم ایقذَر لَخّه یُ غیرمَهَندسی بود که آدما عینِ مول مولی توی دیکِ شُله توی هَمدِگه شور مُخوردَن و ای او رِ پَخول مِکیشید، او وای رِ ناخون جِلّه مِگیریفت، ای به او گُرمُشت مِزَد، اولِنگِش توی دُماقِ ای مُخورد. خُلِصه پارکِشا عینِ چرخ گوشت همّه اَزی وَر سالم مِرفتَن توش، اَزو وَر چرخ کِرده دَرمیمَدَن. الانَم فِکِر کُنُم لِنگِماشیکیسته! هَمّه استُقوناماتوخ توخ رِفته! کَلّمان غُردَبّه یِ! خدا اَزِت نگذره فریبرز که ما رِ فِرِستوندی اینجه!

● آخه مرد مگه نشنیدی که مدیرکل استاندارد خراسان رضوی گفته «مجموعه آبی (م.خ) مشهد ناایمن است»؟

● خب مو چِمِدِنِستُم جونِ مردم ایقذَر مُفته که مسئولا مِدِنَن یَک مجموعه آبی تأییدیه استاندارد بِرِی کار نِدِره، ولی وازَم پُلُمِش نِمُکُنَن و هَموجور دَرِش چارطاق به روی مردم وازه!

مِشِه ایجور بره؟!

خسرو آبادیان

وزیرکار دکتر اقتصاد می‌شود!

آبان ۱۴۰۳: وزیر کار: اقتصاد ایران جراحی نمی خواهد، نیازمند فیزیوتراپی است. (انتخاب)

دی ۱۴۰۳: وزیر کار: ما بودجه لازم برای فیزیوتراپی را نداریم، برای همین پشت اقتصادمان را لگد می‌کنیم.

بهمن ۱۴۰۳: وزیر کار: امروز همان طور که بیکار بودم، دوباره اقتصاد را بررسی کردم، فهمیدم اقتصادمانه جراحی می خواهد نه فیزیوتراپی. دو تا چایی نبات بخورد، جزو ۱۰ اقتصاد اول دنیا خواهد شد.

اسفند ۱۴۰۳: وزیر کار: از بس اقتصاد ما تحریم ها را دور زده، دچار گرفتگی عضلات شده است. با استفاده از یک تیم متخصص و آگاه قولنج آن را می شکنیم.

فروردین ۱۴۰۴: وزیر کار: بعضی ها این گونه القا می‌کنند که بعد از اینکه ما قولنج اقتصاد را گرفتیم، به خاطر اینکه بلد نبودیم قولنج بگیریم، اقتصادمان قطع نخاع شد و نصف اقتصاد نمی تواند دیگر تکان بخورد. درصورتی که این طور نیست و اقتصاد ما در حال استراحت است.

اردیبهشت ۱۴۰۴: وزیر کار: از آنجا که اقتصاد ما در آن واحد با بیکاری، تورم، کاهش تولید، اختلاس، ضرردهی شرکت های بزرگ روبه رو شده، یک کوچولو سنکوپ کرده است. ما هم یک جلسه فوری برگزار کردیم و به این نتیجه رسیدیم که این سنکوپ کردن زیاد جدی نیست. فقط باید دماغ اقتصادمان را عمل کنیم تا یک کم کوچولوتر شود. عجله ای هم نیست. هر وقت از کما درآمد، دماغش را عمل می‌کنیم.

خط رو خط

میم. نون. راد

● الو؟ من میوه فروش سرکوچه ام. داداش مچل کردی ما رو؟ دیروز میوه مجلسی گرفتی بردی، گفتی صبح می آی حساب می‌کنی. رفتی که بیای.

● سلام. عرضم به حضور شما، نمی دونم در جریانین یا نه، گفتن ظاهرا یه مشکل جزئی بابت عدم تحصیل منابع مورد نیاز پیش اومده که...

● چی بلغور می‌کنی واسه خودت؟ شما که کارت درسته نباید فکر اینجاش رو می‌کردی که منابع ممکنه تحصیل نشه؟ یکی دیگه تحصیل نمی‌کنه ما باید جورش رو بکشیم، خوبه والا.

● عرض کردم؛ چون ما امروز خواستگار برای امر خیر داشتیم، این واریز یارانه ها هم که قرار بود دیشب انجام بشه، صادقانه گفتن منابع تحصیل نشده، نشد که بشه دیگه. همین فردا که واریز بشه، خدمت می رسم.

● داداش صادقانه می آی دیگه؟

● بله. فعلا مشکل صادقانه دیگه ای پیش نیاد، خدمت می رسم. ممنون.

● چاکر داداش. فقط ساعت ۹ تا ۱۱ نباشه که صادقانه گفتن برق قطعه، کارت خون خاموشه. صادقانه گفتم که باز بهونه درنیاری.

کُخ تو رُخ

منصوره احمدی

دیدار وزیر انرژی روسیه با معاون اول رئیس جمهور

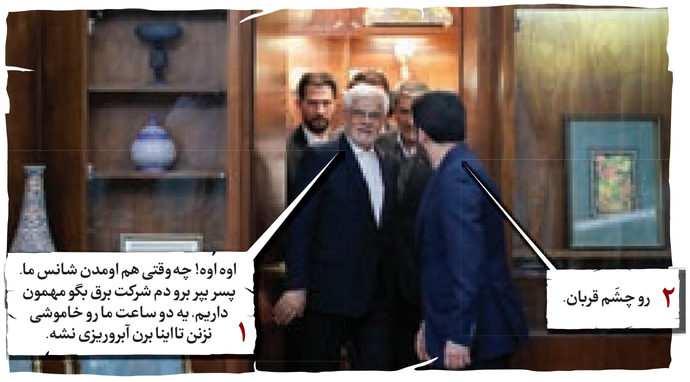
۱ اوه اوه! چه وقتی هم اومدن شانس ما. پسر بپر برو دم شرکت برق بگو مهمون داریم، یه دو ساعت ما رو خاموشی نزنن تا اینا برن آبروریزی نشه.
۲ رو چشَم قربان.

رونمایی از تمبر یادبود همایش تأمین مالی تولید با حضور قالیباف و همتی

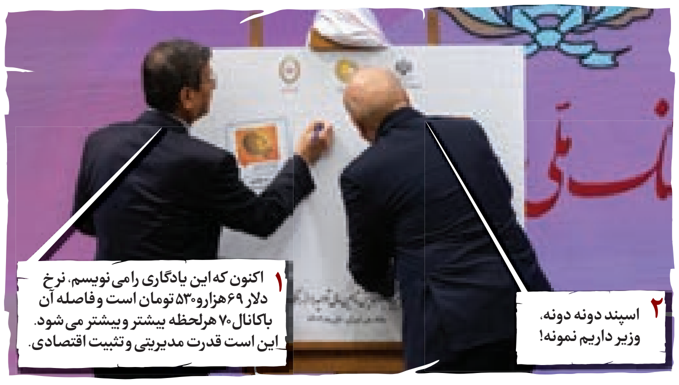
۱ اکنون که این یادگاری را می نویسم، نرخ دلار ۶۹ هزار و ۵۳۰ تومان است و فاصله آن با کانال ۷۰ هرلحظه بیشتر و بیشتر می شود. این است قدرت مدیریتی و تثبیت اقتصادی.
۲ اسپند دونه دونه، وزیر داریم نمونه!

مجلس شورای اسلامی

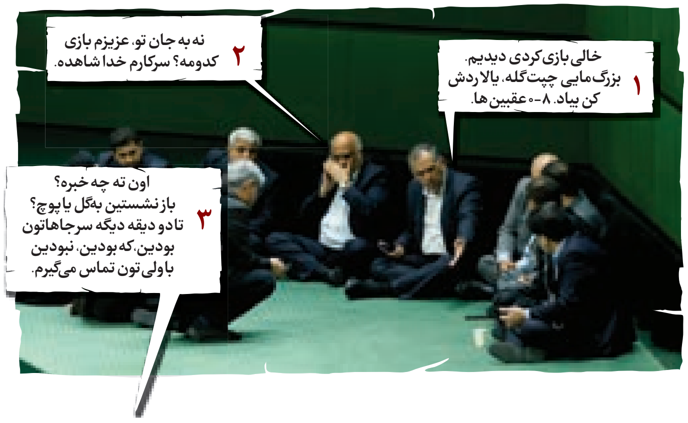
۱ خالی بازی کردی دیدیم. بزرگ مایی چیت گله، یالا ردش کن بیاد. ۸-۰ عقبین ها.
۲ نه به جان تو، عزیزم بازی کدومه؟ سرکارم خدا شاهده.
۳ اون ته چه خبره؟ باز نشستین بِگل یا پوچ؟ تا دو دقیقه دیگه سرجاهاتون بودین، که بودین، نبودین با ولی تون تماس می‌گیرم.

دیدار وزرای خارجه ایران و سوریه در تهران

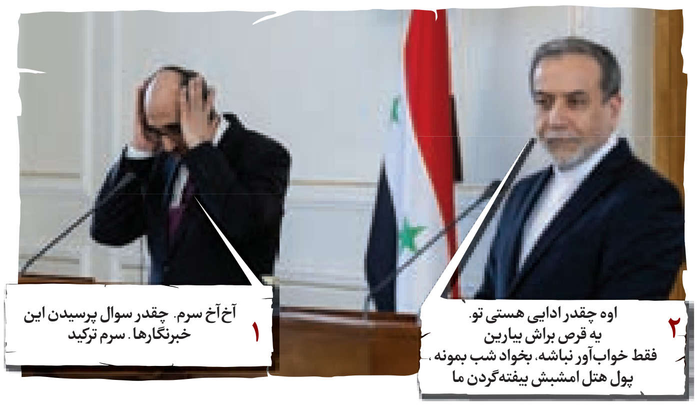
۱ آخ آخ سرم. چقدر سوال پرسیدن این خبرنگارها. سرم ترکید
۲ اوه چقدر ادایی هستی تو. یه قرص براش بیارین فقط خواب آور نباشه، بخواد شب بمونه، پول هتل امشبش بیفته گردن ما